

♦ دکتر مهناز شایسته فر

هنر اسلامی ایرانی در سده‌های متعددی با تکیه بر غنا در فرم و معنا در سده‌های گوناگون، توانسته است حامل پیام‌های معنوی باشد از آن جا که عالم معنا تنها در دسترس «خرد اولیاءالله» است و در قلمروی مجزاست، آن چه «هنر اسلامی» نامیده می‌شود، همواره با روح اسلام سازگاری دارد. این سازگاری در مظاهر اصلی این هنر مانند معماری و خوشنویسی نمودار است به شرط آنکه تحت تأثیر عوامل مدرن قرار نگرفته باشد. هنرمندان اسلامی همواره کوشیده‌اند پیام پروردگار و اولیانش را در آمیزهای دلپذیر از طرح و رنگ و نقش ابلاغ کنند. از این رو هنرمندان گذشته از اینکه آفرینندگان زیبایی‌اند، می‌توانند مبلغ مروجان کلام حق نیز باشند. خطاطان و خوشنویسان و معماران نه تنها قرآن را به عنوان

مرجمی کلامی از حقایق مجسم زندگی، که بر ذهن و زبان پیامبر جاری شده و در اختیار امت قرار گرفته است، برای هنر خویش برگزیده‌اند، بلکه تاریخ زندگی و سیره پیامبر و اهل بیت (ع) در زمان حیاتشان که همان تجلی کلام حق است نیز منبع مهمی برای الهام آنان بوده است؛ چنان که مثلاً بسیاری از خوشنویسان به کنایت احادیث و ادعیه مرتبط با ایشان پرداخته، معماران نیز آنها در آراستن بنا استفاده کرده، نگارگران به مصور کردن داستان زندگی امامان هفت گمارده اندامین مقاله به توصیف نمونه‌هایی از نگاره‌ها و کتیبه‌هایی پرداخته است که راوی خصوصیات پیامبر و سیره عملی ایشان است. این خصوصیات در کتیبه‌ها از طریق احادیث و دعاها و در نگاره‌ها از طریق وقایعی که به تصویر کشیده شده، مشخص می‌شوند.

■ مقدمه

هنر اسلامی، حاصل بینش دینی مسلمانان در مواجهه با آثار هنری بیگانه‌گانی است که هنر آن‌ها در ضمن تحولات اسلامی به مسلمانان رسیده و به تدریج در حکم مواد در صورت و روح هنردوران اسلامی همدم و جذب شده است. قرآن و روایات، نخستین راه‌های چگونگی تخیل و تفکر در باب عالم وجود و تامل معنویت اسلامی را در عرصه خیال به فرد مسلمان آموخت. آموزه‌های اسلام فقط بر زبان پیامبر جاری نشد و آیات قرآن فقط شفاها و به شیوه کلامی به مردم ابلاغ نشده بلکه پیامبر، منطق اسلام را با سیره خود به مردم آموخت. از این رو زندگی وی و فرزندانش، خود ترجمان قرآن و آنگوی مسلمانان است. دست‌اندر کاران هنر اسلامی نیز بخشی از پیروان اسلام‌اند که از زندگی پیامبرشان الهام گرفتند. این تأثیرات را به روشنی می‌توان از آغاز شکل‌گیری تا تکامل هنر

اسلامی در درخشان‌ترین عصرها با مطالعه ویژگی‌های بسارز آن دریافت. این هنرمندان زمانی که به تصویر کشیدن مفاهیم موجودات تخیلی و شمایل‌نگاری ممنوع شده بودند، تنها از هنر دست نکشیدند، بلکه کوشیدند با ابلاغ گونه‌ای زیبایی‌شناسی، از تصور طبیعت انگارانه یونانی و بیزانسی اجتناب کرده و راه‌های نویی را برای تجربه هنری بیازمایند.

تأثیرپذیری مسلمانان هنرمند از اصول اسلامی و سیره نبوی را در دو بعد می‌توان دنبال کرد: یکی تکنیک‌هایی که برای انتقال اندیشه و بیان احساس به کار بردند و در دراز مدت به شکل‌گیری شاخصه‌های هنر اسلامی انجامیده است و دیگری انتخاب موضوع‌ها و محتوای آثارشان که باعث ترویج تعالیم اسلامی شده است. چه از طریق نوشتن آیات و احادیث و چه از طریق به تصویر کشیدن وقایع مهمی که منش و شیوه پیامبر و معصومان را نشان می‌دهد.

■ جایگاه و ویژگی‌های هنر اسلامی

این مطلب نباید شگفتانگیز بنماید که بیرونی‌ترین مظهر مسک دین یا تمدنی مانند اسلام - که هنر خود براساس تعریف آن، جلوه‌گاه برونی است - باید نمودار جهان درونی آن تمدن باشد. جوهر هنر، «زیبایی» است و این امر در اصطلاح اسلامی «کیفیتی الهی» است. (۱) در واقع هنر اسلامی، به اصطلاح امروز، یک هنر آپستره است؛ یعنی هنری است که در همه جای دنیا یک رنگ و نقش دارد و بدین سبب است که به راحتی قابل شناخت از هنرهای دیگر است و هنری است مجرد و انتزاعی، طبیعت در این مکتب هنری به صورت مدل قطعی و مشخص مورد توجه نیست، بلکه نشانه‌ای است که هنرمند آن را به صرف نشانه بودن به کار برده است. هنر اسلامی به این علت آپستره گونه شده که توجه را از کثرت به وحدت، که همان معنای توحید است، می‌برد. بنابراین آنچه که در نقوش اسلامی مطرح است، نقش ظاهری و مادی و بیرونی طبیعت نیست، بلکه اصول و نظم و انتظامات باطنی و درونی آنها مدنظر است. (۲) از این رو نقوش گیاهی و ترکیبات نقوش هندسی که تجربه‌ی از عالم طبیعتند در تکامل خود در هنر اسلامی ویژگی‌ها و کاربردهایی می‌یابند که به آن‌ها جایگاهی مهم می‌بخشد.

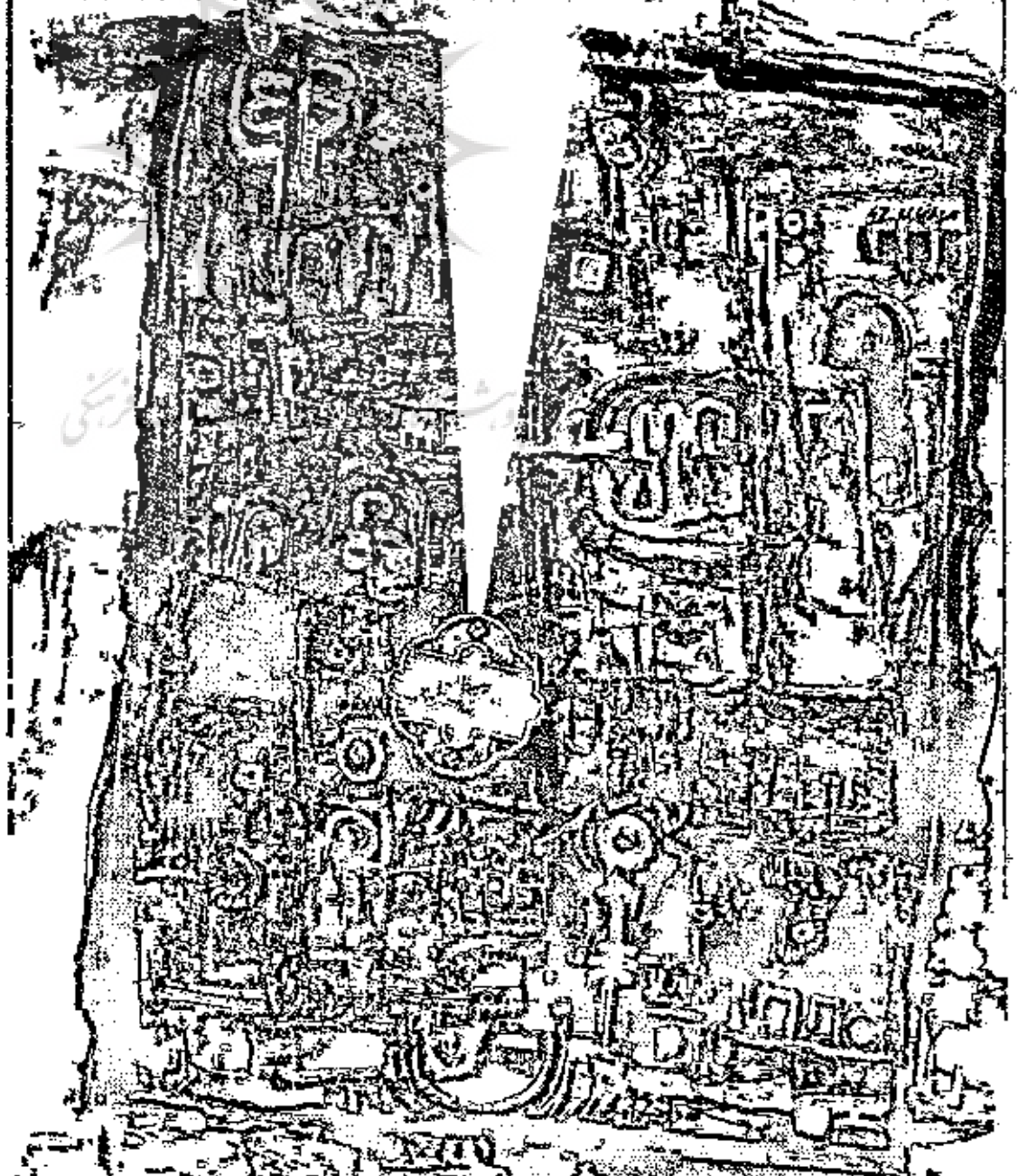
بنابراین مبنای هنر اسلامی را «وحدت» شکل می‌دهد و وحدتی که هم عقلانی و هم فراعقلانی است و زیبایی خداوند را که مطلق و ابدی است به شهود می‌گذارد. هنرمند مسلمان به سبب مسلمان بودن و «تسلیم بودن» در برابر قانون الهی، همواره از این واقعیت آگاه است که او خود زیبایی را خلق یا ابتداع نمی‌کند، بلکه اثر هنری به اندازه‌ای که از نظم کیهانی پیروی و بنابراین زیبایی کلی را منعکس می‌کند.

زیبایستی (۳)

شخصیت ذاتی (ماهیت/ هویت) هنر اسلامی تا حدی از تنش‌های ایجاد شده به وسیله پیشینه چتر آبیایی و فرهنگی مربوط به آن ناشی می‌شود؛ زمینه‌ای که با توجه به نتایج زیبایی‌شناسی آن می‌توان به شکلی مختصر تر به صورت شماری از دوگانگی‌ها بیان کرد: پیکان و آیادی، چادر نشینی و سکنی گزینی، معقول و احساساتی، نور و سایه، صادگی و پیچیدگی، خطوط مستقیم

جلال در جمال

تأثیر سیره و بیرون‌گویی و معنای



۵۹

و منحنی، به این قلمی‌های ساده تمایز میان آنچه را که انسانا «اسلامی» است و آنچه که صرفاً در درون حوزه فرهنگی اسلام قرار دارد نیز باید افزوده شود. پس ویژه در دوران‌های بعدی که این دو گنگی‌ها و آنچه از خارج اقتباس شده، عامل تداوم و اعتبار مولائی هنر اسلامی است. چنین حالت‌های دوگانه، هنر اسلامی را تضمین می‌کند و به آن هیجان و تداوم خلاق المادای می‌بخشد. اولین ویژگی مهم، تعمیم عمیق «هنرمند» است. از میان تأثیرات و ویژگی‌های خاص هنر اسلامی، این ویژگی، دوگنگی‌های زیباشناسی، تضادهای میان سادگی و تزئین را تعدیل کرده، به‌بود می‌بخشد اما به ندرت می‌توان این گونه اظهار نظر کرد که این ویژگی خود بخشی از یک «سبک دوگانه» است؛ زیرا تأثیر تضادها و نتیجه اتفاقی و بدون ترتیب جفت متضاد آن، اگرچه کمالات در هنر اسلامی حضور ندارد ولی نادر است. مفهوم نظم در این نظر به اسلامی ریشه دارد که معتقد است وجود هر شیء به خواست خداوند بستگی دارد. در حوزه هنر، تغییر بسیار واضح این موضوع، اتکای قابل توجه به هندسه است. در روش کلی تر، مفهوم نظم به نقطه اوج نقوش سازمان یافته در سطوح زمینی تلقی می‌گردد که به صورت الگوهای تکرار شونده یا در نظام‌های محدودی چون لوح‌ها و قاب‌های کتیبه‌ای وجود دارد. همچنین می‌توان این گونه اظهار نظر کرد که گرایش به ایجاد نقش‌بردار (چکیده نگاری) در تزئین گیاهی که اساس نقوش اسلامی است، قبل از اینکه گذر از طبیعت گرایش باشد تمایل به بهبود نقش مایه‌ها به وسیله کنترل بیشتر است.

دومین موضوع مهم در سبب ماهیت هنر اسلامی، نحوه برخورد و عملکرد ویژه آن با رمزگرایی یا چگونگی انتقال معانی است. آن چه در نمادهای تصویری تزئینات اولیه هنر اسلامی از مباحث ویژه به شمار می‌رود، فرم‌های انتزاعی و نیمه انتزاعی هستند که معانی را القا می‌کنند که در آن سالورها یا موضوع غالب مذهبی است. ویژگی تزئینات هندسی و گیاهی در هنر اسلامی، رابطه نزدیک و تنگاتنگی با تکرار اسلامی نسبت به بنا دارد. ویژگی نمادگرایی عمیقاً تحت تأثیر عدم پذیرش هرگونه مفهوم تجسم‌گرایی نسبت به خداوند در تفکر اسلامی است. نمادگرایی مذهبی تصویری، که در هنر غرب و هند وجود ندارد، در هنر اسلامی وجود ندارد. به هر حال هرگونه بازنمایی تصویری به این معناست که هر علامت یا یادداشتی که در آن چیزی به‌جای دیگری قرار می‌گیرد، نمادین است. منع شمایل‌نگاری در حکمت پیامبر اسلام، علاوه بر شکل‌گیری نقوش مجرد در هنر اسلامی، باعث اهمیت یافتن پیش از پیش هنر خوشنویسی نیز شده چرا که شمایل‌ها یا نوشته‌های مقدس، که خود منظر کلام خدا هستند، جایگزین شدند. این مطلب اجتناب پذیر است که برای بررسی چگونگی شکل‌گیری هنر اسلامی باید به مشخصه‌هایی که از سنت‌های دیگر کسب شده توجه کرد.

سبزه پیامبر

در وصف سبزه پیامبر بسیار سخن می‌توان گفت؛ چرا که لحظه لحظه زندگی آن بزرگوار، منبع الهام برای پیرانش بوده است

و در مجال تنگ این مقاله، حتی بر شمردن فهرستی از خصائل نیکوی ایشان نمی‌گنجد. پیامبر هر چه از جمله در اختیار داشت، از روان‌ناز، دله پیراهن و چه می‌پوشید و جامه سبز را خوش می‌داشت و بیشتر جامه‌های سفید بود و می‌فرمود: «پندارم که زنده‌ها پندارتن جامه سفید بپوشید و مرده‌ها پندارم که زنده‌ها پندارتن جامه سفید بپوشید و قیامی دیبا داشت که سبزی آن سفیدی رویش را می‌پوشید» (۴). در بسیاری از نگاره‌هایی که در آنها پیکره پیامبر به تصویر کشیده شده است، هنرمند بیشتر ایشان را در قیامی سبزه ترسیم کرده است و در کمتر نگاره‌ای از قیامی سفید برای پیکره پیامبر استفاده شده است و این احتمالاً به دلیل شهرت و کثرت روایت مربوط به پوشش پیامبر در جامه سبز است که بعدها به صورت مشخصه سادات در آمده است.

ترمذی در «الشمائل» می‌نویسد: «تمام جامه‌های پیامبر روی کمین (استخوان برآمده پشت پاها) قرار داشت و روپوشش در بالای آن ناتیجه ساق و پند پیرانش بسته بود» (۵). عیاشی و صله‌دار می‌پوشید و می‌فرمود: «من پندمای هستم و همان را می‌پوشم که پندگان می‌پوشند. چه جامه‌هایی که غیر از جامه می‌پوشید و دو جامه مخصوص جمعه داشتند و چه در بسیاری اوقات یک روپوش می‌پوشید و جز آن چیزی در پنداشتند. عمل‌های داشت به نام «حلبه» که آن را به علی (ع) بخشید. بسیاری اوقات که علی با آن عمل می‌آمد پیامبر می‌فرمود: «علی با صحابه آمده» (۶).

پیامبر همواره در سطحی یکسان با مردم می‌نشست، چه در مسجد و چه در بیرون. دیگران یا کسانی که پیامبر را ندیده بودند هرگز نمی‌توانستند در میان گروه او را از مردم عادی تشخیص دهند. امام حسین (ع) می‌فرماید: «از پدرم در باره نشستن آن حضرت پرسیدم؛ فرمود: رسول خدا (ص) نمی‌نشست و از جای بر نمی‌خاست مگر به پیدای خضای تعالی. در چند جا بکنی نمی‌گرفت و از ساکن شدن در چند جا نمی‌کرد و هر گاه به انجمن می‌رفت، جردی در جای مجلس بود می‌نشست و به این عمل دیگران را امر می‌فرمود». این مسئله در هنر نگارگری در برخی نسخ در نظر گرفته شده است و نمونه‌های فراوانی وجود دارد که اگر پیامبر پاهاله دور سر ترسیم نشده بود، قابل تشخیص از بقیه جمعیت نبود، اما در بسیاری دیگر از نگاره‌ها هنرمندان این موضوع را در نظر نگرفته‌اند و به لحاظ ارادت و تعصبی که به پیامبر داشتند، به او جایگاهی ویژه بخشیده‌اند.

نگاره‌های تسخیر خطی

شخصیت انسان نزد نگارگر مسلمان در قرون اولیه اسلام، دارای والاترین ارزش‌هاست. از این روست که سرگذشت و عمل انسان، موضوع نقلی اسلامی را تشکیل می‌دهد. در نقاشی اسلامی، به خصوص در ایران، هر پرده به بیان یک حالت روحی اختصاص داشت و تمام اجزاء موضوع در جهت پرداخت موثر دقایق و ظرایف آن

حالت تجسم و به کار گرفته می‌شد. بدین گونه بود که هنرمندان مسلمان برای مصور کردن کتبی اهتمام ورزیدند که در آنها اوصاف و سیره بزرگان دین از خلال روایت وقایع مهم تاریخ اسلام بازگو شده بود. نسخ متعددی از ملل اسلامی به ویژه ایران برجای مانده که حاوی نگاره‌هایی در شرح و وصف زندگانی امامان است. تعداد زیادی از این نگاره‌ها با محوریت شخصیت پیامبر شکل گرفته است و متعلق به رویدادهایی است که در زندگی پیامبر رخ داده است. بدیهی است که در دوره‌های تاریخی مختلف، میزان و امکان توجه به موضوعات مذهبی، تحت‌الشعاع زمینه اجتماعی و سیاسی و فرهنگی خاص آن دوره‌ها بوده است.

در ایران در خلال سده‌های هفتم، هشتم، نهم و چهاردهم تعدادی از نسخ خطی تهیه شد که شامل تصاویری است که روند وقایع زندگی پیامبر را ترسیم می‌کند. پنج نسخه خطی از این دوره شامل نسخه ترجمه بلغی از کتاب «تاریخ الرسل و الملوک» طبری است. (۷) هشت تصویر از این کتاب متعلق به زندگی پیامبر است.

«جمیع التواریخ» خواجه رشید الدین فضل الله «آثار الباقیه» بیرونی (۸) و کلیات تاریخی حافظ ابوالفضل جلیلی «تذکره» که در قرون هفتم و هشتم مصور شده و تصاویری از زندگی پیامبر دارد. تصاویر دیگری نیز به طور پراکنده در نسخ مذهبی و ادبی دوره‌های مختلف به چشم می‌خورد. از جمله نگاره‌های «جمیع التواریخ» که در آن به زندگی پیامبر پرداخته شده است می‌توان به نگاره‌های که ملاقات پیامبر و بحیرای راهب را نشان می‌دهد اشاره کرد. (۹) در این اثر پیامبر اکرم (ص) به صورت نوجوانی که در میان هفت تن از فریشتان ایستاده نشان داده شده است و همان گونه که روایات اسلامی نقل کرده‌اند بر بالای سر او ابری برای سایه افکندن وجود دارد. از درون ابر فرشته‌ای خارج شده و در حال پاشیدن گلاب بر سر آن حضرت است. در کنار پشیرا نیز دو تن از ملازمان وی ایستاده‌اند و به نشانه احترام، همگی در برابر آن حضرت سر خم کرده‌اند. در پشت سر پشیرا و ملازمانش، شتران و کالاهای حال‌التجاره قرار دارد و پشت سر آنان برجی ترسیم شده است که زنی به همراه خدمتگزارش از آن نمایان است و زن با دستانتش به پیامبر اشاره می‌کند. نکته جالب در این نگاره تعداد افسراد حاضر در نگاره است که (با احتساب پیکره فرشته) چهار تن هستند. این امر می‌تواند نشانگر تعابلات شیمی نگارگر باشد که توانسته آن را به شکلی نامحسوس در اثر خود به نمایش گذارد.

نمونه دیگر نگاره‌های اسلامی این نسخه اثری است که در آن شرح هجرت پیامبر به همراه ابوبکر از شهر مکه به مدینه به تصویر در آمده است. فضا در این نگاره به دو قسمت تقسیم شده است. در یک قسمت پیامبر اکرم (ص) و ابوبکر قرار دارند که چهره هر دو به وضوح نمایان است و در حالت گفتگو هستند. در سمت دیگر، پیروزان در حال پوشیدن بزپاش است. این دو صحنه توسط درختی جدا شده است. چین‌های منظم جامه پیکره‌ها و نمایش چهره قدیسان

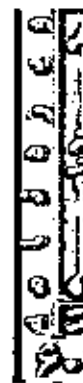
برگرفته از عناصر بهرامی است. شاید مهم‌ترین ویژگی نگاره‌های «جمیع التواریخ» که به قصص اسلامی می‌پردازد، وضوح کامل در به نمایش گزاردن چهره پیامبر اکرم (ص) است. چیزی که قبل و بعد از آن به ندرت شاهدش بوده‌ایم. این نکته در نگاره‌های دیگر این نسخه از جمله در تزیینات و حلی پیامبر و میلاد ایشان دیده می‌شود. احتمالاً یکی از دلایل رواج این نقاشی‌ها، عدم تعصب شاهزادگان متول نسبت به تصاویر مذهبی بوده است. چرا که این شاهزادگان سال‌ها به هنر مذهبی یونانیان و هندوها مانوس بودند» (۱۰).

نمادها و نمادها مهمی که بسیاری از وقایع زندگی پیامبر را به تصویر کشیده است «سیرالنبی» و «حسن الکبار» است که مقارن با دوران حکومت عثمانی در ترکیه و صفویان در ایران مصور شدند. سیرالنبی یا زندگینامه پیامبر در سال ۱۰۲۳/۱۵۹۴ توسط احمد نورین مصطفی برای مراد سوم تهیه شد. که ترجمه‌ای ترکی از اصل عربی آن است. این نسخه از یک نسخه خطی قدیمی‌تر به تاریخ ۱۱۲۹/۱۷۱۶ الهام گرفته که اکنون در موزه توپقاپی است. برای استنبول نگهداری می‌شود. طرحی که زیر نظر مراد سوم آغاز شده تسخیمات شش جلدی از زندگی نامه پیامبر بود که توسط مصطفی دربرابر در اواخر سده چهاردهم هشتم تصنیف شد. چهار جلد از سیرالنبی باقیمانده است که جلد‌های اول و دوم و ششم در استانبول، جلد سوم در لیبورک و بخشی از جلد چهارم در دبلین قرار دارد. (۱۱)

اولین نمونه تصویری از این نسخه خطی، نمایی از اولین مراسم عبادی نمازگزاران اسلامی را ترسیم کرده است. پیامبر که به طور کامل به او و پاهاله‌های او نور احاطه شده ایستاده و نماز را رهبری می‌کند. در حالی که خدیجه و گروه ده ساله، علی (ع) در این مراسم شرکت می‌کنند. خدیجه (س) پشت سر پیامبر با پوشش آبی که نماد پاکدامنی و تقواست ایستاده است. او هاله‌ای از تقدس و پاکی اطرافش برش دارد. علی (ع) هیچ گونه هاله‌ای ندارد. در عوض دستاری سبزی به رنگ سبزه بر سر گرفته است و از میان پنجره باغ‌های بهشت مشاهده می‌شود. این تصویر از جمله تصاویری است که نزدیکی و صمیمیت میان پیامبر، حضرت خدیجه و امام علی را به عنوان اولین کسانی که اسلام و دعوت پیامبر را پذیرفتند، آنگاه می‌دهد. در این تصویر همچنین در کشیدن جامه پیامبر و انتخاب رنگ لباس ایشان دقت شده است.

تصویر دیگر این نسخه، پسر مرگ پیامبر را نشان می‌دهد. پیامبر در پستر در حالی که حضرت فاطمه (س) بر بالینش ایستاده است، چلوه‌گر می‌شود. هر سمت راست او جبرئیل با چهره‌ای آندوهناک نشسته است. پیامبر در جامه سبزه و پاهاله دور سر و حضرت فاطمه نیز پاهاله و جامه آبی نشان داده شده‌اند.

نسخه دیگری که در همین زمان و در ایران مصورسازی شده، نسخه مذهبی «حسن الکبار» است. «حسن الکبار» که در آن تصویر نسبتاً زیادی از رویدادهای مهم تاریخ اسلام وجود دارد. در سده ۱۰ هـ ق در روزگار شاه بهمنسل اول صفوی و به دستور او به دست فخرالدین علی‌بن حسن زواری تلخیص



شده و با افزودن مطالبی بر آن به نام «وامع الانوار الی معرفه الاثمه الاظهار» نامیده شده است از احسن الکبار تسخه‌های متعددی در کتابخانه‌های ایران و دیگر کشورهای جهان وجود دارد. تصاویری چند از این نسخه به وقایعی در زندگی پیامبر اشاره دارد که در این چاپ چند نمونه از آن به اختصار بررسی می‌شود: اولین نمونه، پیامبر را در حال گفت و گو با تنی چند از بنی‌نهمه را پیل نشان می‌دهد. پیامبر در تیمه راست به صورت چهار زانو نشسته و قیای سبز و عیای قرمز بر تن دارد. هنرمند ایشان را با کلاه تزکدار قرمز ترسیم کرده‌اند در حالی که افراد دیگری این نوع کلاه را با رنگ‌های دیگر بر سر دارند. می‌دانیم که اصل این کلاه قرمز بوده و مربوط به فرزندان هاشم است. این مسأله می‌تواند نشان از تعصب نگارگر نسبت به اهل بیت باشد. علاوه بر این، چهار نفر در جهت مقابل پیامبر و نیمه چپ تصویر قرار دارند که همان جماعت بنی‌اسرائیل‌اند. این هشتم در کتابش درباره این واقعه به تصویر کشیده شده در این نگاره می‌نویسد: «تفلیفات صحیح مهاجران مسلمان، سران مسیحی حبشه را تحریک کرد تا یک گروه بیست نفری از محققان و فضایی خود را برای ملاقات با پیامبر اسلام به مکه اعزام کنند. آنها پس از ورود به مکه با رسول خدا ملاقات کردند و پرسش‌های خود را با وی در میان گذاشتند. حضور هیأت اعزامی حبشه، موجب بیداری قنادی از قریش شد و آن‌ها نیز در صدد تحقیق برآمدند. پنهان‌نمایی‌ها را نزد یهودیان یثرب فرستادند. یهودیان چندین پرسش مطرح کردند و به نمایندگان قریش گفتند اگر او به پرسش‌های شما پاسخ ندهد، یقین دایمستانه باشد که بر گزیده خداست و گرنه دروغ‌گوست. آنها پرسیدند و پیامبر از طریق وحی به پرسش‌های آنها پاسخ داد (۱۲).

نمونه چهارم، وداع پیامبر با صحابه را نشان می‌دهد. پیامبر بر منبر نشسته و علی (ع) و عده‌ای از صحابه مقابل او و عده‌ای دیگر نیز در ضلع دیگر مسجد ایستاده‌اند. امام حسن (ع) نیز در آستانه محراب جای گرفته‌اند. پیامبر در حال طلب بخشش از صحابه و مردم است. نگاه‌ها به سمت مردی است که گویا چوبدستی یا عصایی در دست دارد و ردایی قرمز بر تن و می‌خواهد پیامبر را قضا کند. این واقعه مربوط به روزهای واپسین حیات پیامبر است. زمانی که بیماری ایشان شدت یافته بود در یکی از روزها پیامبر از بستر برخاست و به مسجد رفت. کوچک و بزرگ را به مسجد فراخواند و از مردم خواست که اگر از ایشان طلبی دارند آن را بیان کنند. فردی به نام عکاشه گفت: یا رسول الله! روزی می‌خواستید شتر خود را تازیانه بزنید که به سهو بر من فرود آمد. عکاشه به سمت پیامبر رفت، در پای ایشان افتاد و گریست (۱۳).

کتیبه‌های معماری: اولین عنصر وحدت بخش و شاخص هنر و معماری اسلامی، حضور کتیبه در بناهای دوره‌های مختلف است. «کتیبه» در لغت به معنای نوشته و در اصل کتاب بوده که «الف» به «ی» تبدیل شده است و در اصطلاح معماری به نوشته‌ها و یا نقوشی که بر سنگ‌ها و مصالح دیگری از جمله آجر، چوب، کاشی و گچ حک شده باشد، اطلاق می‌شود. کتیبه‌ها غیر از جنبه تزئینی و آرایش ساختمان، اهمیت زیادی

از نظر تاریخی و مذهبی دارند و می‌توانند مجهولات بسیاری مربوط به بنای خاص و یا ویژگی‌های دوره هنری مخصوص به خود را روشن سازند. در واقع خطوطی که در سطوح داخل و خارج بناها وجود دارند، علاوه بر ذکر نام سفارش دهنده و هنرمند و قید تاریخ ساخت و چگونگی ملحقات و منققات آن، عبارات مقدس مذهبی چون آیات قرآن، احادیث مذهبی، اسماء خداوند، نام رسول خدا و معصومان و پادآوری وظایف دینی، اخلاقی را نیز ثبت می‌کنند (۱۴).

عبارات قرآنی، احادیث، ادعیه و اشعار مذهبی و واژه‌های مقدسی که بر نمای عمارت‌ها و بناها جلوه گر است، وسیله تبلیغی نیرومندی است که کلام خدا و توصیه‌های ائمه را یادآوری می‌کند. آن چه در این چاپ بررسی می‌شود، کتیبه‌های معماری دوره‌های مختلف هنر اسلامی در ایران است که مشتمل بر آیات قرآنی، احادیث و ادعیه است. البته نمونه‌های ارائه شده، برخی از موارد بی‌شماری هستند که مرتبط با پیامبر است. از جمله کتیبه‌هایی که در آنها دعایی برای پیامبر نوشته شده و یا کتیبه‌هایی که احادیث نبوی را به نمایش می‌گذارند.

کتیبه‌های قرآنی: کتیبه‌های قرآنی، اغلب شامل جملاتی در اظهار ایمان و اعتقادات مسلمانان است. این اعتقادات اغلب به خط کوفی، معنوی‌ترین خط عربی در دوره بنا و به خصوص نزدیک محراب، محل تجمع و تبرک مسلمانان، نشان داده شده است. از طرف دیگر از مطالعه کتیبه‌های قرآنی در می‌توانیم که برخی سوره‌ها در بسیاری جاها تکرار شده است. بدین ترتیب می‌توان این گونه اظهار دلالت که شخصی که این متن‌های قرآنی را انتخاب کرده است، باید به علت آشنایی یا تمام قرآن یا به دلیل معنای خاصی که در این سوره‌ها و آیات وجود داشته آنها را انتخاب کرده باشد. بدون شک علما یا اشخاص مذهبی، نقش مهمی در انتخاب این آیات داشته‌اند زیرا آنان به علت انس خاص با قرآن، از مفاهیم و معنای ظاهری و باطنی آن بیشتر مطلع بوده‌اند. البته در برخی موارد خطاطان خود آیات را انتخاب می‌کردند که در این حالت آنان اشخاص معمولی نبودند بلکه افرادی بودند که قرآن را از برداشتند و می‌توانستند سبک‌های مختلف خط را در نهایت زیبایی و تکامل نگارش کنند.

از جمله سوره‌های معروفی که در کتیبه‌های دوران‌های مختلف به چشم می‌خورد، سوره‌های جزء سی‌ام قرآن است که احتمالاً به دو دلیل کوچک و جای گرفتن آنها در سطوح مختلف دیوار به هر اندازه و هر شکل و همین‌طور پر محتوا بودن، کتیبه‌نگاری شده‌اند. یک نمونه از سوره‌هایی که بسیار در کتیبه‌ها به کار رفته، سوره کوثر است که به عنوان نمونه در مسجد کبود تبریز و مسجد سید اصفهان به کار رفته است. این سوره بیانگر بخشش و سخاوت خداوند به خاندان پیامبر است که یکی از بهترین آنها فاطمه (س) دختر پیامبر است. سوره دیگر سوره قدر است که در

مدرسه مذهبی چهارباغ اصفهان (قرن نهم) با خط کوفی بنایی دیده می‌شود. همین‌طور در مسجد شیخ لطف‌الله (۱۰۴۱-۱۰۷۵) در قسمت داخلی مسجد با استفاده از خط ثلث نگارش یافته است.

کتیبه‌های دعایی: در کنار استفاده از قرآن در کتیبه‌ها به گروه مهم تقسیم بر می‌خوریم که با اهمیت یکسان هستند. آیات قرآنی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این دسته را که «کتیبه‌های دعایی» نامیده می‌شوند، می‌توان به سه گروه مهم تقسیم کرد: کتیبه‌هایی که بازگو کننده نام‌های خداوند و ستایشگر او هستند، کتیبه‌هایی در ستایش پیامبر و دعا برای ایشان و کتیبه‌هایی در ستایش امامان شیعه. به نظر می‌رسد این دعاها از کتاب‌های دعایی باشد که به عنوان مثال می‌توان به «مفتاح الجنان» اشاره داشت (۱۵). در این جا تأکید ما بر روی کتیبه‌هایی است که در ستایش پیامبر و دعا برای ایشان نگاشته شده است. یکی از دعا‌های خطاب به ایشان «صلوات» است که در جاهای بسیاری آورده شده است. نمونه‌هایی از آن را می‌توان در مسجد امام گنبد مدرسه چهارباغ (۱۰۶۲) و مدرسه کله گران اصفهان (۱۱۰۲) دید.

کلمه شهادت یا «لا اله الا الله» و «محمدنا رسول الله» نیز از عبارتهایی است که بسیار در کتیبه‌ها به چشم می‌خورد و در برگرفته دو اصل اساسی اعتقادات مسلمانان است: توحید و نبوت. یکی از مکان‌های دارای این نوع کتیبه مسجد گوهرشاد مشهد (۸۲۲) است که کلمه شهادت زینت بخش گنبد یا عظمت آن است (۱۶). در اوایل حکومت صفویان کاربرد شهادتین از سوی شیعه بسیار رایج بوده است. استفاده از ترکیب کلمات الله، محمد و علی در کنار هم، اعتقادات مسلمانان آن دوره را نشان می‌دهد.

چنانکه گفته شد، آیات قرآنی و یا دعا، تنها متون مورد استفاده در کتیبه‌ها نیست و حدیث نیز می‌تواند به عنوان نوع دیگری از کتیبه‌های مذهبی انتخاب شود. در بخش احادیث، گفته‌های منتخب به پیامبر اسلام بسیار دیده می‌شود. حدیث معروفی از پیامبر به خط کوفی وجود دارد که متن آن بدین صورت است: پیامبر می‌فرماید «انا مدینه العلم و علی بلیها». این حدیث که در مدرسه نیاور اصفهان (سده نهم تا هفتم) هم تا یازدهم دیده می‌شود، به خط کوفی است. همین کتیبه بر دروازه غربی مسجد جامع در اصفهان نیز دیده می‌شود. در مدرسه چهارباغ اصفهان (سده هفدهم تا یازدهم) نمونه دیگری وجود دارد که می‌گوید: «من پنج شخص دارم که توسط آنها آتش فروزان جهنم را خاموش خواهم کرد: مصطفی، مرتضی، حسن، حسین و فاطمه».

نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا به خصوصیات و جایگاه هنر اسلامی اشاره شد و این که هنر اسلامی نه انتزاعی بلکه مجرد است. بدین معنی که صرفاً مقولمات ذهنی نیست و الهام گرفته از قوانین و قواعد عالم هستی است. اما خود را از هر آن چه به زندگی روزمره و پریشانی‌های آدمی مربوط است مجزا می‌کند. از طرفی

گفته شد که هنر اسلامی در عین تجرد، معنای والای روحانی را منتقل می‌کند که منبع آن خداوند و اولیاء او هستند. از این رو هنرمند مسلمان این معنای را از قرآن و زندگی پیشوایان دین وام گرفته و آن‌ها را در فرم ویژه خود در هم می‌آمیزد و فرآوری چنان و روان بیننده مشتاق قرار می‌دهد. معنایی در هنر اسلامی از دو طریق منتقل می‌شود: پایه واسطه مفاهیم عرفانی و اشراقی که در قالب این هنر مجرد ریخته می‌شود، و یا به صورت بیان و ابلاغ مستقیم با تصویر کردن وقایع مهم مذهبی و نگاشتن پیام‌های بزرگان دین، با مرور این مقاله که به بررسی میزان و چگونگی جایگاه پیامبر در هنر اسلامی می‌پردازد در می‌یابیم که بیشترین نمود حضور ایشان را می‌توان در دو شاخه مهم هنر اسلامی یعنی نگارگری و معماری ببینیم. در معماری، کتیبه است که با جای دادن سخنان پیامبر و ستایش و دعا برای ایشان، وسیله ابزار ارادت هنرمند است. در نگارگری، روایت وقایع مهم زندگی ایشان یا زبان تصویر. همه اینها نشان می‌دهد که هنرمند متعهد به اسلام به خوبی به جایگاه ویژه «عسرت» در کنار «قرآن» واقف است و به حق به آن پرداخته و از آن غافل نبوده است.

پانویس‌ها:

۱. تئوس بر کرات، هنر اسلامی، زسل و بیان، ترجمه محمد رجب نیا، تهران: انتشارات صدا و سیما، ۱۳۷۵، ص ۱۶۰.
۲. سیدجواد سلیمی، هنر اسلامی، پایگاه اطلاعات نگارگری ایران، <http://www.negargar.ir>
۳. محمد صدوق، هنر اسلامی و جامعه مسلمان، پایگاه رسمی انتشارات سورمه، <http://www.iricap.com>
۴. قاسم الفاضل عرفانی، صحیح بخاری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷، ص ۱۱۲.
۵. فخر عیسی محمدی، عیسی بن سوره، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۵.
۶. در پی، اشعار پیشین، ص ۳۶۶.
۷. لایحه علمی، ترجمه بخش فرموده‌ها، نگارگری و اشاعت نگارگری می‌شود.
۸. این سوره علی به دستور او امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب، در مدینه منوره، مدون شده که به خط عربی است و چهار تصویر پیامبر است.
۹. Sheila Blair, & M. Bloom, The Art & Architecture of Islam, 1250-1800, New Haven & London, Yale university press, 1994, pp.26-28
۱۰. این اثر اشاره به گوشه‌های زندگی پیامبر اکرم (ص) دارد و زمانی که آن حضور برای نخستین بار به همراه عمو خود ابوطالب، برای تجارت راهی شام می‌شود. در سبزه راه راهی مسیحی به نام جبریا، او را با وی می‌شناسد و می‌فرماید که او همان «محمد» پیامبری است که تعجیل و عده حضور او را دیده‌اند. (ترویج عکاشه، نگارگری اسلامی، ترجمه سید فخر رضا تهمی، تهران: خوزه هنری، ۱۳۸۰، ص ۱۱۶)
۱۱. لایحه کوزل، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران: شمال آزادی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۱.
۱۲. مهناز شایسته فر، عناصر هنر ششمی در نگارگری و کتیبه‌نگاری تیموریان و صفویان، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۸.
۱۳. لایحه سید عبدالملک بن شهاب، ص ۲۰۴، ص ۱۰، محمد محیی الدین سیداحمد، بیروت: دار الفکر، ص ۲۰۴-۲۰۳.
۱۴. سیدمحمدی هراتی، انواع خطوط و کتیبه‌های کهن، انتشارات شمال آزادی، تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۱.
۱۵. Qazi Ahmad, Calligraphers and painters, Iran, V. Minorsky, Washington, Freer Gallery publication, 1959, p. 193
۱۶. شیخ عباس لاهی، این کتاب را از منابع متفاوتی تهیه کرده که به عنوان مثال می‌توان به «بهار الانوار» متعلق به مجمع البیان طوسی و مسائل القرآن سیدقطب المدنی و تفسیر الجواهر طبریزی، مصری اشاره کرد.

